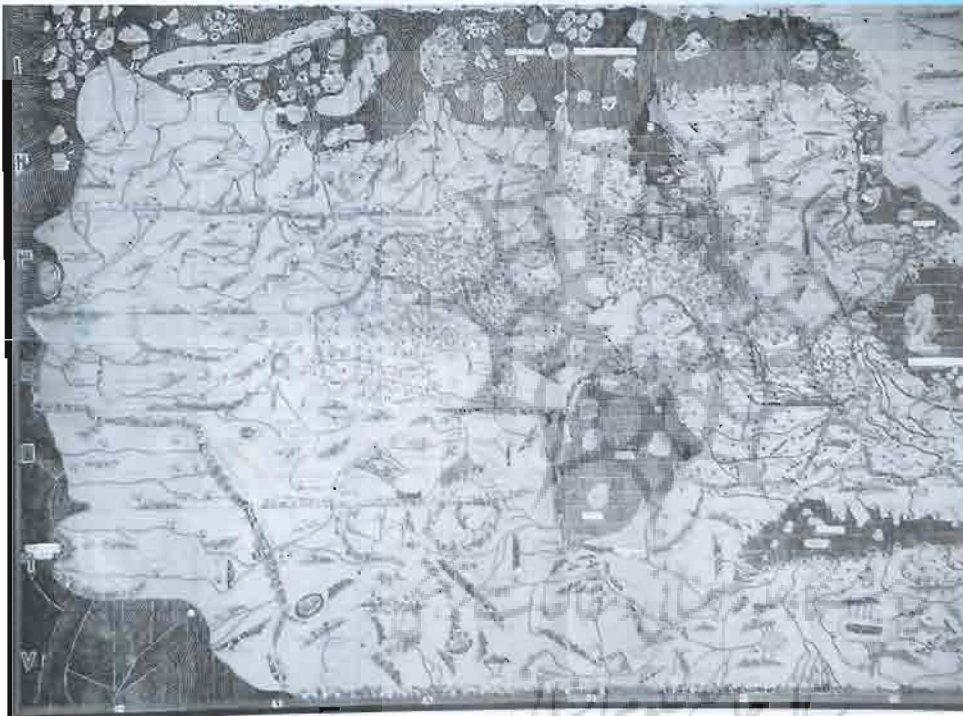


بسیاری از کارتوگرافان غرب برای تهیه نقشه‌ها دستورات بطلمیوس را به کار بردند. مسلمانان دانش حاصل از مسافرت‌ها و اکتشافات خود را بر این پایه افزودند. تجار مسلمان در قرن‌های ۷ تا ۹ در شرق از راه دریا و خشکی تا چین و در شمال تا روسیه و نیز تا جنوبی‌ترین سواحل آفریقا منجمه رنگبار رفت و آمد داشتند.

شناخته شده بود شاید هم این ترجمه‌ها مستقیماً و از زبان یونانی انجام گرفته بود. در دوران اولیه اسلام (با استفاده از جغرافیا به عنوان یک مدل) تعدادی رساله غربی که معمولاً بنام کتاب "صورت الارض" خوانده می‌شد تالیف گردید که این کتابها به عنوان مبنایی مورد استفاده واقع شد و کارهای پیشرفته‌تر بعدی جغرافیا نگاران بر آن مبتنی گردید. یکی از شاخص‌ترین این آثار کتاب "صورت الارض" الخوارزمی بود که در زمان مامون عباسی (۸۳۳-۸۱۳) نوشته شد. البطانی با استفاده از همین کتابها جزئیات جغرافیایی بیشتری را استخراج کرده و در کتاب اسطرلاب (ستاره‌شناسی) وارد نمود. کتاب اخیر در قرن دوازدهم به زبان لاتین ترجمه شد ولی کتاب اولی از طریق منابع دست دوم در اروپا شناخته گردید. بسیاری از کارتوگرافان غرب برای تهیه نقشه‌ها دستورات بطلمیوس را به کار بردند. مسلمانان دانش حاصل از مسافرت‌ها و اکتشافات خود را بر این پایه افزودند. تجار مسلمان در قرن‌های ۷ تا ۹ در شرق از راه دریا و خشکی تا چین و در شمال تا روسیه و نیز تا جنوبی‌ترین سواحل آفریقا منجمه رنگبار رفت و آمد داشتند.



سرزمین یاجوج و دریای ظلمات در سمت چپ نقشه

دریانوردان مسلمان آبهای ناشناس و ترس آلود اقیانوس اطلس را در نور دیدند. اطلاعات آنها در مورد کشفیات جدید شده به ایشان کمک کرد تا در کارتوگرافی دید وسیعتری پیدا نمایند به طوریکه برتری تمدن آنها به مورد قبول هم عصران خود قرار گرفت. منجمین عرب، مشاهدات ستاره‌شناسی را که در یونان غیر مداوم بوده، ادامه دادند. آنها توانستند قوس نصف النهار را از طریق رصدهایی که در بغداد و دمشق انجام شده اندازه بگیرند. مسلمانان توانستند کیفیت ابزار نجومی و رصدخانه‌ها را بهبود بخشند. به طور کلی اعراب در امر کارتوگرافی تا حدودی از یکدیگر الگوبرداری میکردند و در هر صورت در استفاده از پرگار و خط کش استاد بودند. البته این آشنایی به محاسبات تا آن اندازه پیشرفته نبوده که بتوانند خط مدارات زمین را دقیقاً ترسیم نمایند. (آنطور که از روی نقشه‌های اصطخری، کاشغری و ابن سعید می‌توان فهمید).

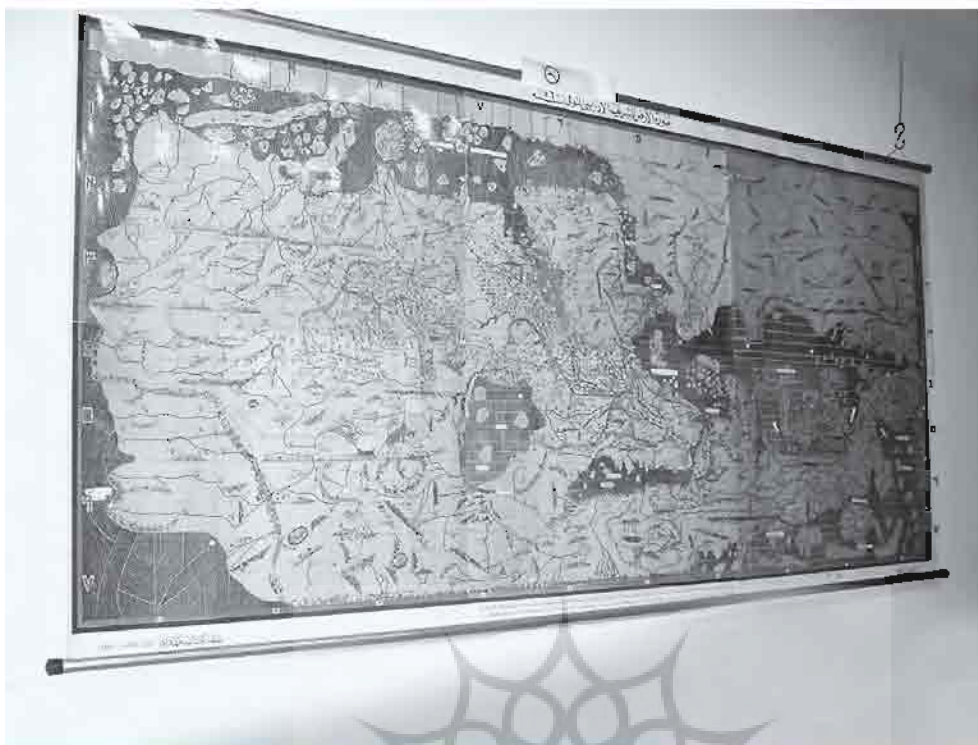
ادریسی مسافرت های زیادی انجام داد و بر خلاف بسیاری از جغرافیدانان زمان خود به فرانسه، انگلستان، آسیای مرکزی و قسطنطنیه مسافرت نمود و نیز به عنوان دانشجوی دانشگاه "کوردوبا" توانست به اطلاعات عظیمی که در مورد کشورهای مختلف در آنجا وجود داشت دسترسی پیدا نماید.

با گذشت زمان، دانشمندان مسلمان توانستند روح جدیدی از دانش را در پیکری جان علوم اروپایی غربی بدمند. فرهنگ اعراب در طول چند قرن عملاً بر جزیره ایبری و سیسیل استیلا یافت. در قرن یازدهم فاتحان نورمن پیشرفت خود را به سوی غرب و جنوب اروپا آغاز کردند. از کرانه اروپای غربی عبور نموده در جنوب ایتالیا مستقر گردیدند. (بین ۱۰۶۶ تا ۱۰۷۱ میلادی). حکمرانان جدید این منطقه سنت ها و دستاوردهای فرهنگی و علمی اعراب را اخذ کردند و اساتید مسلمان نقش درخشانی در زندگی فرهنگی دربار آنجا ایفا نمودند. پادشاه نرمن به نام روجر دوم ژیکار سیسیل (۱۱۵۴-۱۰۹۷) خیلی مشوق علم و خود علاقمند به یادگیری در تمام زمینه ها بود. او بیشتر وقت خود را وقف جغرافیا نمود. و در بیشتر اوقات به جمع آوری مقالات جغرافیایی اعراب پرداخته و از مسافران درباره سرزمین های دور پرسش می کرد. شهر پالمو یکی از مکان هایی بود که در آنجا دریانوردان، بازرگانان، زوار صلیبیون و دانشمندان ملیت های مختلف امکان دیدار داشتند. تعاریفی که این افراد از سرزمین های دور دست می نمودند باعث گردید که دربار روجر شاه به فکر تالیف کتابی همراه با نقشه از تمام این گزارش ها بیفتد.



نقشه جهان ادریسی (نمایشگاه دائمی نقشه شهرداری تهران)

بهمین دلیل ابوعبدالله... این ادریسی (متولد ۱۰۹۹ در سیوط) بنا به دستور پادشاه مذکور ماموریت یافت کتابی تالیف کند که تمام اطلاعات موجود در خصوص طول و عرض جغرافیایی شهرها، فاصله بین شهرها، و اینکه متعلق به کدام اقلیم هستند را شامل گردد. علاوه بر آن گفته شده که روجر برای ادریسی تسهیلاتی جهت تهیه نقشه فراهم آورد و نامبرده رساله ای هم به آن اضافه کرد و به آن نام "جغرافیا" داد و عنوانی که ترجمه عربی آن "تفرج برای کسیکه علاقمند مسافرت به کشورهای مختلف است" را انتخاب کرد. ادریسی مسافرت های زیادی انجام داد و بر خلاف بسیاری از جغرافیدانان زمان خود به فرانسه، انگلستان، آسیای مرکزی و قسطنطنیه مسافرت نمود و نیز به عنوان دانشجوی دانشگاه "کوردوبا" توانست به اطلاعات عظیمی که در مورد کشورهای مختلف در آنجا وجود داشت دسترسی پیدا نماید.



نقشه جهان ادریسی

علاوه بر کارهای شخصی، ادریسی، به دستور پادشاه مذکور "افراد با استعدادی" را انتخاب کرد و آنها را به جاهای مختلف به سفر فرستاد و همراه آنان نگارنده هایی نیز اعزام نمود. زمانیکه این افراد از مسافرت های تعیین شده باز می گشتند ادریسی در رساله خود اطلاعات دریافتی را ثبت می نمود. بدین ترتیب با این مطالعات "صحرائی" و به کمک داده هایی که از منابعی همچون بطلمیوس و جغرافیدان های مقدم تر عرب و یونانی بدست آمده بود، اطلاعات حاصله نقد و بررسی می کرد و آنها را مرتب و به هنگام می نمود. نتیجه این کار تالیف کتاب و نقشه هایی شد که تهیه آن ۱۵ سال به طول انجامید و بنا به دلایل متعدد این اثر جالب ترین اثر جغرافیدانان مسلمان می باشد. به علاوه این کتاب حجیم ترین و تفصیلی ترین کتابی است که در طول قرن ۱۲ در اروپا نوشته شده است.

طرح این رساله ساده، و تا حدودی قراردادی به نظر میرسد. ابتدا شرح مختصری از کره زمین داده می شود که اندازه محیط آن را ۲۲۹۰۰ مایل ذکر می کند، او معتقد است که کره زمین مانند زرده تخم مرغ داخل تخم مرغ در فضا ثابت می باشد. این کره از نیمکره ها، اقلیم ها، دریاها و خلیج ها تشکیل گردیده است. ادریسی به شرح طولانی و تفصیلی مناطق سطح کره زمین می پردازد. از نظر او به طور کلی هفت نوع آب و هوا (اقلیم) وجود دارد. برای هر اقلیم بر حسب طول جغرافیائی تقسیم بندی صورت می گیرد. این تقسیم بندی قراردادی قبلاً در بین منجمین اسلامی وجود داشت. تقسیمات هفتادگانه ای که بدین ترتیب به وجود می آمد به تفصیل و دقت مورد بررسی قرار میگرفت. برای هر قسمت یک نقشه جداگانه ای تهیه می شد. این نقشه ها مجموعاً نقشه مستطیل شکلی از جهان را نشان می دهند که به نقشه بطلمیوس شبیه است. ادریسی معلومات اعراب راجع به شرق و غرب را در هم آمیخت و تصویری یکپارچه از جهان به وجود آورد. او به منابع قدیمی با دید نقد و بررسی نگاه می کرد (اگر چه که خود او هم نقشه خود را در چهارچوب ۷ اقلیم تنظیم نموده بود). نامبرده

ادریسی معلومات اعراب راجع به شرق و غرب را در هم آمیخت و تصویری یکپارچه از جهان به وجود آورد. او به منابع قدیمی با دید نقد و بررسی نگاه می کرد

نقشه ادریسی که در سال ۱۱۵۴ تهیه شد بر روی یک صفحه نقره ای نقش شده بود و اندازه آن احتمالاً ۳/۵×۱/۵ متر بود. این نقشه بعدها در سال ۱۱۶۰ به دست شورشیان افتاد و نابود گردید.

بیشتر اطلاعات مورد نیاز نقشه خود را از گزارش مسافران و سیاحان جمع آوری کرد ولی از نقشه ها و دستورات دریانوردی یونانیان که Periplus نامیده میشود نیز استفاده نمود. تاریخ این نقشه ها به دوره مشخص دریانوردی به نام سی لاکس باز می گردد که یک Periplus یا گزارش از مسافرتش به دور دریای مدیترانه (که در سال ۳۵۰ قبل از میلاد انجام شده) تهیه کرد. نقشه ادریسی که در سال ۱۱۵۴ تهیه شد بر روی یک صفحه نقره ای نقش شده بود و اندازه آن احتمالاً ۳/۵×۱/۵ متر بود. این نقشه بعدها در سال ۱۱۶۰ به دست شورشیان افتاد و نابود گردید. در سال ۱۱۵۴ چند هفته قبل از مرگ روجر دستنویس کتاب مذکور به زبان لاتین و عربی تکمیل گردید. همراه با آن ۷۰ برگ نقشه (مجموعاً به شکل مستطیل) و نیز یک برگ نقشه دایره ای شکل جهان ارائه شد. روجر نام این کتاب را نزهت المشتاق نام نهاد اگر چه نامی که مولف بر آن گذاشته «کتاب روجر» و نام نقشه «تابولا



شیوه نمایش کوه و دریاچه در نقشه ادریسی در این قسمت از نقشه دریاچه خوارزم دیده می شود.

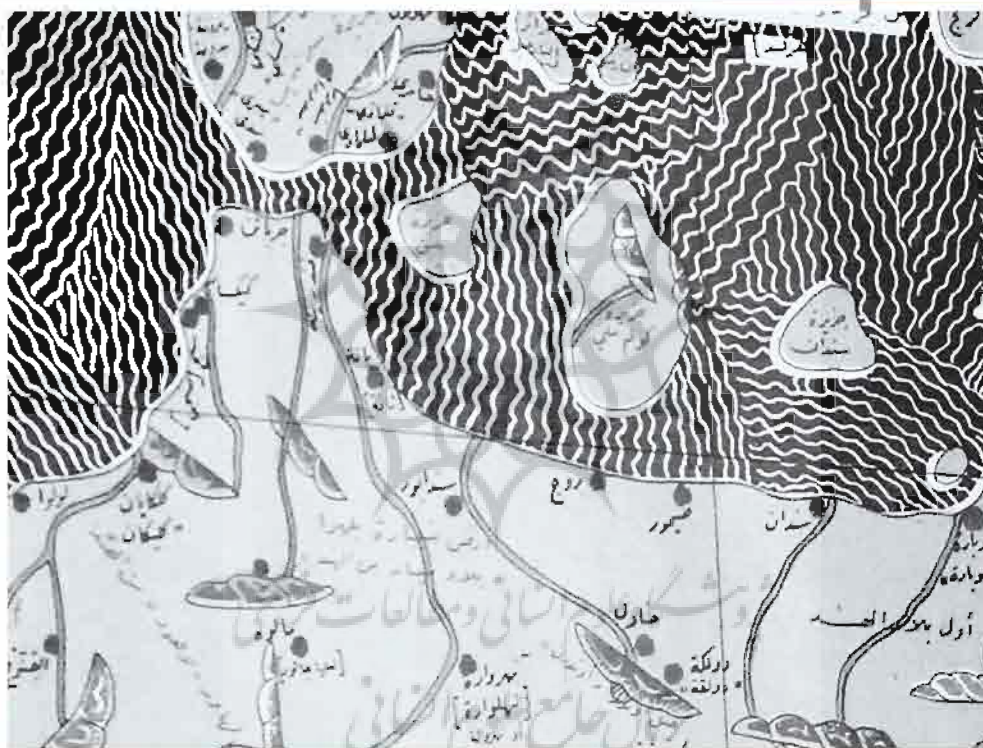
روجر یانا» می باشد.

طبق ماخذ عربی، ادریسی کتاب تفصیلی تر دیگر و نیز نقشه دیگری در سال ۱۱۶۱ برای ویلیام دوم پسر راجر تالیف نمود. اسم کتاب اول "تفریح برای کسی که بر کره زمین مسافرت می کند" بود. عنوان کتاب دوم عبارت بود از "باغهای انسانیت و تفریح روح". از این کتاب ویرایش مختصری به نام باغ شادی (۱۱۹۲) باقی مانده است. این تالیف شامل ۷۳ نقشه به شکل اطلس بوده و به نام "ادریسی کوچک" نامیده می شود. بین ویرایش های ۱۱۵۴ و ۱۱۹۲ این کتاب تفاوت های اساسی دیده می شود. در ویرایش ۱۱۹۲ نقشه کوچکتر بوده و شامل تعداد کمتری اسامی می باشد. نقشه ها بر حسب تفکیک اقلیم ها تهیه شده است. اگر چه ادریسی کورکورانه به مدل های یونانی وابسته نبود و خود اطلاعات کاملاً جدیدی در اختیار داشت. ولی متأسفانه او هم تلاش نمود تا مدل کلاسیک تقسیمات اقلیمی را به کار گیرد و اطلاعات فراوانی که جمع آوری کرده بود باعث شد هفت کمر بند موازی (اقلیم) خیلی

آثار ادریسی در مقایسه با دیگر نوشته های جغرافیائی آن دوران، دارای کیفیت استثنائی می باشد. یکی از دلایل آن ذکر جزئیات در آن است ولی دلیل اصلی همانطور که قبلاً اشاره شد "روش علمی" است که او به کار گرفت. شیوه ای که با شیوه معمول دانشمندان لاتین آن دوران متفاوت بود

شلوغ شود و تصویر عمومی دارای اعوجاج باشد. ادریسی همراه این کتاب نقشه مدور کوچکتری از دنیا را ارائه کرد که نسبت به ویرایش قبلی پیشرفته تر بود. شکل و اندازه کوچک آن دقت تصویر نیمکره را کاهش داده است. علاوه بر آن تلفظ اسامی و کلمات خیلی سخت است زیرا که اعراب اسامی حذف شده بود و اینکار توسط نقشه نگار ادریسی انجام گرفته بود. در نتیجه تعداد زیادی از مکانها با اسامی آنها تطبیق نداشت. البته کتاب همراه این نقشه در این رابطه کمک زیادی می نماید چرا که برخی عوارض و مکان ها و جزئیات جاده ها و فواصل بین نقاط مختلف را توضیح می دهد.

آثار ادریسی در مقایسه با دیگر نوشته های جغرافیائی آن دوران، دارای کیفیت استثنائی می باشد. یکی از دلایل آن ذکر جزئیات در آن است ولی دلیل اصلی همانطور که قبلاً "اشاره شد" روش علمی است که او به کار گرفت. شیوه ای که با شیوه معمول دانشمندان لاتین آن دوران متفاوت بود، بررسی معلومات ادریسی درباره افریقا (به عنوان مثال) وسعت و کیفیت مطالب ارائه شده در این کتاب رساله را نشان میدهد:



جزیره سرنديپ (سیلان) در شمال نقشه دیده می شود .

«اولین تقسیم از اقلیم اول در غرب با "دریای غربی" (که ادریسی آن را "دریای ظلمات" نامیده) شروع میگردد. «در این دریا دو جزیره به نامهای "الخالی بات" (جزایر ثروتمند) واقع شده است». بطلمیوس اندازه گیری طول و عرض جغرافیائی را از آنجا شروع نموده میگوید: "هیچکس از ساکنین ماوراء آن خبری ندارد" او در این جنوبی ترین قسمت که آن را تیمی ریس می نامد. نام های متعددی از شهرها را ذکر میکند. در مورد اسم اخیر می گوید "در دریا و نه چندان دور از ساحل واقع شده و شهرت آن به خاطر نمک می باشد". بیشتر تجارت این ماده با سودان و با کمک کشتی هایی که آن را از oulel بار میکردند انجام میگرفت و در جایی دیگر می نویسد: «طی مسافرت یک روزه به دهانه نیل { مثلاً رودخانه سنگال یا نیل سیاهان} رسیدیم و سپس سربالای رودخانه را تا Ghana و Silla, Tacrou و همه شهرهای سودان را طی کردیم. قسمت اعظم کشور تنها در دو طرف رودخانه نیل دارای جمعیت

است و بقیه کشور کویر و غیر قابل سکونت می باشد. در آنجا زمین های لم یزرع و خشکی وجود دارد که بایستی دو، چهار، ۵ یا ۱۲ روز در آن راه رفت تا به آب رسید. مردم باریسا، سیلا، تکرور و غنا به لام لام (احتمالاً مقصود سرزمین های دور از ساحل عاج و ساحل لیبریا است) سفر میکنند و بومیان را به اسارت گرفته آنها را به کشور خود آورده و در بازار می فروشند.

در دومین قسمت اقلیم اول ادریسی به شرح شهرهای بسیار منجمله شهر گمشده غنا، در شرق دورتر می پردازد.

«مهم ترین، پرجمعیت ترین و تجارتي ترین مرکز کشورهای سیاه است. از شهر غنا تا مرز وانگارا ۸ روز راه است. این کشور به خاطر داشتن طلای فراوان که در آنجا بدست میاید مشهور است. جزیره ای با ۳۰۰ مایل طول و ۱۵۰ مایل عرض میباشد که از تمام جهات و در تمام فصول توسط رودخانه نیل احاطه گردیده است. بیشترین مقدار طلا را مردم واگالان و مغربی های غربی (شاید مراکش) می خرنند. با ادامه مسیر به جنوب رودخانه نیل "بربرهای کوچ نشین را می یابیم. اینها گوسفندان خود را به سواحل رودخانه ای که از شرق جریان یافته و به جریان نیل می ریزد، به چرا می برند" و در قسمت چهارم اقلیم بر میخوریم به :

«محلّی که دو نیل از یکدیگر جدا می شوند، به عبارت دیگر اولی نیل مصر است که از شمال به جنوب این کشور جریان می یابد و دومی شاخه ای است که از شرق به منتهی الیه غربی این سرزمین جریان دارد. بیشتر شهرهای بزرگ سودان بر امتداد این شاخه واقع گردیده اند. »

روشن است که قسمت جنوبی آفریقا که تا دوردست شرق امتداد می یابد افسانه بطلمیوس است ولی دریانوردان عرب به ادریسی آموختند که دریا در شرق گشوده می باشد. اظهار عقیده ادریسی در این مورد چنین است «دریای سین (جین) بازویی از اقیانوسی است که دریای تاریک (آتلاتنیک) نامیده می گردد»

فرازهای فوق که از متن کتاب آورده شد نشان می دهد که محتوا و شیوه کار ادریسی چگونه بوده است. از روی آن می توان فهمید که او دیگر تحت تاثیر بلاشروط بطلمیوس قرار ندارد. زیرا به عقیده بطلمیوس سرچشمه های نیل جنوب استوا در "کوهستان ماه" قرار داشت و نامبرده اصلاً عقیده ای نسبت به دو شاخه بودن نیل نداشت.

امروزه ما می دانیم که در حدود قرن دوازدهم مبادلات منظم تجاری بین دریای مدیترانه و سودان انجام می گرفته است و اینکه اطلاعات قابل اعتماد مربوط به این سرزمین های جنوبی تدریجاً در مراکز آموزشی اروپا نفوذ کرده است. زمانی که متوجه میشویم آنچه که ادریسی به آن اراضی نیل غربی گفته بود تا قرن نوزدهم کشف نگردید بر اهمیت گفته های ادریسی پی میبریم. شک نیست که ادریسی بسیاری از مکان ها را برای اولین بار ذکر نمود. مثل غنا (که نزدیک تیمبوکتو واقع گردیده)، سیلا (که احتمالاً همان silgam نقشه های قرن پانزدهم است) و تا کرور { Tekrouer در سنگال } که در آن دوره مراکز شکوفای فرهنگ اسلامی بودند. اشاره ادریسی به Wangara لازمه اش آشنائی به منطقه طغیانی رودخانه Oulel می باشد و نشانگر آن است که در اروپا اطلاعات درباره سواحل سنگال حتی تا اواسط قرن دوازدهم خیلی اندک بوده است.

از دیدگاه معارف جدید باید گفت که تکیه ادریسی بر بطلمیوس در برخی از قسمت های کار ادریسی، مانند شرح شرق آفریقا و جنوب آسیا، منسوخ می باشد. علیرغم اینکه ادریسی شرحی بر (Lisbon Wenderes) "سرگردانان لیسبون" نوشت ولی مانند سایر مسلمانان از اتلاتنیک ترس داشت. چرا که

زمانی که متوجه میشویم آنچه که ادریسی به آن اراضی نیل غربی گفته بود تا قرن نوزدهم کشف نگردید بر اهمیت گفته های ادریسی پی میبریم. شک نیست که ادریسی بسیاری از مکان ها را برای اولین بار ذکر نمود. مثل غنا (که نزدیک تیمبوکتو واقع گردیده)

در مورد شکل زمین (که مانند زرده تخم مرغ ثابت است) ادریسی کاملاً با عقیده اغلب فلاسفه موافق است و معتقد است که زمین بدون شک کروی می باشد. او میگوید "بعضی اعتراض میکنند که آنها نمی توانند در روی یک سطح خمیده بایستند ولی قطعی است که میتوانند بایستند و این بدلیل برقراری نوعی تعادل است که هرگز برهم نمی خورد".

در ابتدای شرح اقلیم های اول، چهارم و ششم اینگونه می نویسد: «..... تاریکی غلیظ و دائمی که بر فراز اقیانوس غربی گسترده شده است به علاوه ترس از این آبهای سیاه، غلیظ، طوفانی که مرتباً طوفان

آن را می روید آبهایی که هیچکس سواحل آن را نمی شناسد....»

این سیستم (بدون انعطاف تقسیمات اقلیمی) "سرزمین های قابل سکونت" را به هفت منطقه (اقلیم) تقسیم می کند (از استوا تا قطب) و شرح هر قسمت از سمت غرب شروع شده به سمت شرق میرود و در هر منطقه توصیفات ابتدا از جنوبی ترین قسمت شروع شده به شمالی ترین قسمت خاتمه می یابد. اصولاً اینکه آیا جنبه های فیزیکی، سیاسی، زبان شناختی و مذهبی هر یک از این اقلیم ها از این طول جغرافیایی تبعیت می کند، یا نه روشن نمی باشد.

در مورد شکل زمین (که مانند زرده تخم مرغ ثابت است) ادریسی کاملاً با عقیده اغلب فلاسفه موافق است و معتقد است که زمین بدون شک کروی می باشد. او میگوید "بعضی اعتراض میکنند که آنها نمی توانند در روی یک سطح خمیده بایستند ولی قطعی است که میتوانند بایستند و این بدلیل برقراری نوعی تعادل است که هرگز برهم نمی خورد".

ادریسی در هر صورت نمی توانست شکل کشورهای اطراف دریای بالتیک را روی کاغذ بیاورد ولی نوشته هایش نشان میدهد که با بسیاری از شهرهای آن همچون سایر نقاط اروپا آشنائی داشته است. شکی نیست که ادریسی با مسافران و تاجران اسکاندیناویایی و دربار روجر پادشاه ملاقات داشته است و توانسته است از طریق آنان اطلاعات زیادی بدست آورد. از طرف دیگر میدانیم که اعراب هم با مردم بالتیک و همینطور مردم روسیه آن زمان ارتباط داشته اند. ادریسی رودخانه دانوب، راین، الب (به گفته او Alhe و Dahn، Arin) را می شناخت. او از کشور دانمارک و اسلشویگ اسم برده و در مورد نروژ فکر میکرده که این کشور به صورت یک جزیره می باشد.

عجب آنکه ادریسی فکر می کرد در بالتیک جزیره ای به نام آمازون وجود دارد. علیرغم جدید بودن و ارزش ذاتی کارهای ادریسی، درک این مساله مشکل است که چرا این کارها با توجه به اشتراک زمانی و مکانی که بین شهرهای اسلامی و مسیحی وجود داشت این همه مدت برای نویسندگان سیسیلی، ایتالیا و دیگر کشورهای منتخب بدون استفاده باقی ماند. "تا آنجا که میدانیم اولین و شاید تنها مورد توجه کشورهای لاتین به کتب اسلامی مربوط به تهیه تقویم جلد اول نجومی و پیش گویی روزانه بود. می توان گفت در اینجا بود که فرهنگ قدیم مسلمانان تا حدودی کشف گردید.

نفوذ کتاب جغرافیایی ادریسی به طور قطع در دنیای علم زیاد نبوده چرا که در اینصورت می بایست نشانی از آن در ادبیات غرب یافت گردد. بر خلاف تعدد نوشته های کم ارزش تر عربی "توصیفات روجری" این شانس را نداشت تا جرالدم سرمونیایی (مترجم کارهای بطلمیوس به لاتین) آنها را به زبان لاتینی ترجمه نماید.

دانش جغرافیای فرمایشی غرب مصمم بود تا از غنای آنچه که ادریسی و روجر شاه جمع آوری کرده بودند محروم بماند. اولین ترجمه شناخته شده کارهای ادریسی در سال ۱۶۱۹ در رم و بعداً در شکل بسیار مختصر (مترجم حتی نام مولف را هم نمی دانست) به چاپ رسید. در حالیکه در نقشه های جهان تهیه شده توسط Marino Sanudo و Pietro Vesconte تاثیر محسوس کارهای ادریسی را مشاهده می نمائیم و اگر چه گزارش "مردان فریب خورده لیسبون" و اکتشافات آنها در "اقیانوس غربی" ممکن است تاثیراتی در اقدامات بعدی دریانوردان مسیحی در آتلانتیک داشته باشد ولی کتاب جغرافیای ادریسی هیچگاه به یک کتاب درسی اروپائی تبدیل نشد.

از سوی دیگر شکی نیست که اشتیاق سیسیلی-نرمن ها به جغرافیا تاثیر غیر مستقیمی بر دانش

جغرافیا داشته است. اشتیاقی که به ویژه بعد از ختم دوره جنگ های صلیبی خود را نشان داد. این اشتیاق محصول ترکیب شایسته علوم و آگاهی های قبلی نویسندگان اسلامی با کارهای دریانوردی نرمن ها در جزیره ای بود که جای خاصی را در برقراری ارتباط با دنیای آن روز بازی می کرد، اشتیاقی بود که بخشی از آن به دلیل عشق به دانش ولی قسمت اصلی آن را نیازهای عملی به مردم دریانورد تشکیل می داد و خیلی زود باعث حل مسائل دریانوردی می گردید. در قرن شانزدهم در شهر اسفاکس تونس، ۷ یا ۸ نسل از یک خانواده کارتوگراف به نام Sharfi نقشه ای از جهان تهیه کردند که نقشه مربوط به مناطق شرقی با استفاده از نقشه های ادریسی تهیه شده بود. البته در این نقشه تاثیر نقشه های دریائی، اروپائی ها نیز ملاحظه میگردید. در سال ۱۵۵۱ یکی از کارتوگراف های خانواده مذکور اطلس دریائی را همراه با یک نقشه کوچک (جهان) که خیلی شباهت به نقشه های ادریسی داشت، ترسیم نمود. این عقیده که کارتوگرافی اعراب و مسلمانان وقتی از سنت های نقشه ای یونان بریدند، دچار پس رفتگی شد، بدون پایه و اساس می باشد.

نقشه های مسلمانان در مقایسه با نقشه های کلیسایی پیشرفت زیادی را در زمینه طراحی و نیز در محتویات جغرافیائی نشان می دهد.

نقشه های مسلمانان در مقایسه با نقشه های کلیسایی پیشرفت زیادی را در زمینه طراحی و نیز در محتویات جغرافیائی نشان می دهد. در واقع همانطور که گفته شد، وابستگی ادریسی به یکی از اصول کارتوگرافی یونان یعنی تقسیم بندی بر حسب اقلیم، تاثیر منفی بر کارهای او باقی گذاشت. ادریسی از چه منابع دیگری توانست استفاده نماید؟ آیا نقشه بطلمیوس (که در کتاب جغرافیای بطلمیوس در بیژانس پیدا شد) در آن زمان وجود داشت؟ آیا این نوشته ها به دربار راجر دوم راه نیافته بود؟ و آیا ادریسی با دانستن آنها سعی به نادیده گرفتن شان داشت؟ باید فرض کرد که چنین نقشه هایی در زمان ادریسی در دسترس نبوده است. گر چه بنظر می رسد که ادریسی از صورت اسامی اماکن و شهرها برای ساختن نقشه های خود استفاده کرده است.

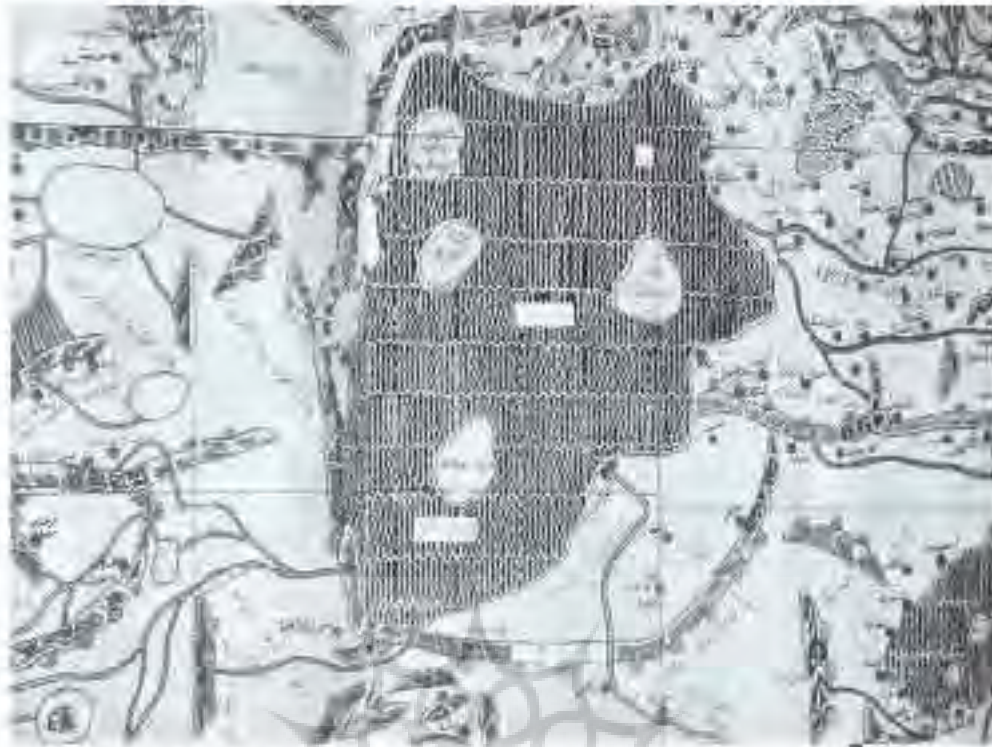
ادریسی با اینکه نقشه های خوبی در اختیار نداشت، ولی بر اساس دانش خود از جاده ها و فواصل بین شهرها نقشه های خود را تهیه نمود ولی به خاطر اجباری که در قراردادن این شهرها در اقلیم های معین وجود داشت احساس میکرد نقشه اش دارای بی دقتی و اعوجاج می باشد.

علیرغم این خطاها، نقشه های ادریسی بدون شک ترجمان دمیدن روحی جدید در کارتوگرافی قرون وسطی می باشد.

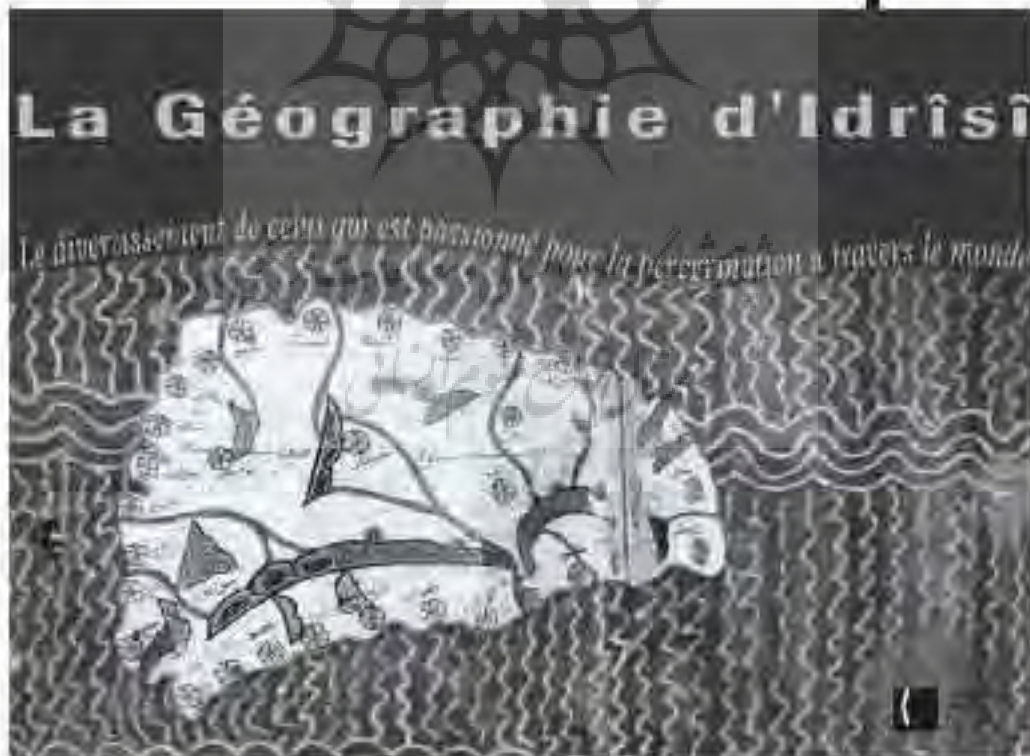
علیرغم این خطاها، نقشه های ادریسی بدون شک ترجمان دمیدن روحی جدید در کارتوگرافی قرون وسطی می باشد.



نقشه جهان ادریسی



خزده و معنویه اطراف در نقشه ادريسي



دریای مدیترانه و جزیره سوسول (ممالیه)

کتابخانه دیجیتال